وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ سوم | چهارشنبه ۱۹ حمل ۱۳۸۳ | ۱۷ صفرالمظفر ۱٤۲۵ - | 7 April 2004

سرمقاله

کنفرانس برلین و دولت مقتدر ملی

ص۲

ضرورت انسجام شیرازهٔ خانوادهٔ بزرگ نهضت وجهاد

ص۵

استادربانی رهبر جهاد ومقاومت:

حمایت جامعهٔ جهانی از افغانستان در برلین قابل ستایش است

جامعهٔ جهانی با عدم حمایت از حکومت مجاهدین در افغانستان مرتکب اشتباه شده بود



استاد ربانی در مصاحبه یی با رادیو بی بی سی به روز سه شنبه هنگامی که غرض ملاقات با اسماعیل خان از دوبی عازم هرات بود گفت:

از این که شرکت کنندگان در اجلاس هفتهٔ گذشتهٔ برلین برای کمک به افغانستان وعده دادند تا بیش از هشت میلیارد دلار کمک در اختیار این کشور قرار دهند مایهٔ خرسندی است. استاد ابراز امیدواری کرد که کشور های کمک کننده به وعده خود برای بازسازی افغانستان عمل کنند واین وعدهٔ آنها در حرف باقی نماند. استاد همچنان گفت که جامعهٔ جهانی در دوران حکومت مجاهدین در عدم حمایت از افغانستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی وکمونیسم مرتکب اشتباه شد که آسیب آن نه تنها به افغانستان که به جهان و صلح و امنیت جهانی نیز رسید.

ایشان در رابطه با بی امنیتی در برهی ولایات اظهار داشتند: مجاهدان محلی هیچگاه عامل بی امنیتی نیستند. مجاهدین همیشه بحیث عامل ثبات وتامین کنندهٔ امنیت عمل نموده اند، ایشان بودند که در مقابل اخلال گران امنیت رزمیدند این که گفته می شود فرماندهان محلی عامل بی ثباتی اند وارونه جلوه دادن حقایق است واین یک قضاوت ظالمانه می باشد.

استاد در بارهٔ به تعویق انداختن انتخابات گفت: به تعویق انداختن انتخابات به نفع جامعه نیست ودو مشکل تا هنوزبر سر راه انتخابات قرار دارد.

برلین میلیاردها دلار کمک به افغانستان

ص۲

دافغانستان دچارو کارپوه بارنت روبین:

افغانستان ترټولو هیوادو فقیر او حکومت ئي کمزوري دي

افغانستان که څه هم ترټولو هیوادو زیات فقیر او حکومت ئي دنړي ترټولو حکومتونو کمزوري دي په دي وتوانید چي دنړی نوړ هیوادونه مرستو ورکولو ته وهڅوي او نړیواله ټولنه ئي دي ته چمتو کړه چي خپلي مرستي دوه برابره کړي خو ددغه هیواد دولت به داوسني حالت دجوړښت او دیوه متخصص څواك دنشتوالي له کبله څنګه وتوانیدي شي چي شوي مرستي پرځاي ولګوي؟

دي وائي: دغه مرستي داخل امتحاني ښه لري ترڅو نړیوال وګوري چي ایا افغانان دخپلو طرحو او پروګرامونو دعملي کولو او دبهرنیو مرستو دښي استفادي کولو جوګه دي او که نه؟

که دنړیوالي ټولني له ذهنیت څخه دغه شك لري شي نو دوي به دلاړیاتو مرستو ورکولو ته غاړه کیږدي.

دي دامنیت مسئلي ته په اشاري سره وائي: دبرلین غونډه المان د دفاع وزیر پیټر شترك، او دافغانستان دحکومت دامنیتي سلاکار زلمي رسول په ګډون پرانستل شوه او دامریکي دبهرنیو چارو وزیر کولن پاول هم دخرابي امنیتي وضعي په باب ګوت څنډنه وکړه او وئي ویل دامنیت نشتوالي دافغانستان دپرمختګ او بیا رغاوني په وړاندي یولوي خنډ دي.

بارنت روبین ټینګار کوي چي دامنیت نشتوالي، اداري فساد او انجوګاني به افغانستان دي ۳مخ

طی یک محفل بزرگ

جمعیت اسلامی افغانستان شهادت میرویس صادق را گرامی داشت



به تاریخ سیزدهم حمل جمعیت اسلامی افغانستان محفلی را به مناسبت شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی وتوریزم دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در سالن میوند برگزار کرد.

محفل باقرائت آیاتی از کلام الله مجید آغاز یافت، در ابتدا عبدالشکور واقف حکیمی مسؤول دفتر فرهنگی جمعیت سخنانی در باب شهادت وزیر هوانوردی و رابطهٔ آن با مسائل سیاست کنونی کشور ایراد کرد و اورا شهید راه صلح و امنیت و بازسازی در هرات خواند. سپس شیخ محمد آصف محسنی پس از اظهار تسلیت و تعزیت برای امیر اسماعیل خان به مناسبت شهادت فرزندش میرویس صادق سخنرانی مبسوط وارزشمندی پیرامون فلسفهٔ مرگ وخلود وجاودانگی روح آدمی پس از مرگ ایراد کرد که بیش تر به یک بحث دانشگاهی شباهت داشت تا یک سخنرانی در یک محفل سوگواری. متعاقباً سید محمودخلیق معین سواد آموزی وزارت معارف به نمایندگی از امیر اسماعیل خان صحبت نمود و گفت: از این که شخصیت هایی قدرشناسی این محفل باشکوه را برای یاد بود شهید صادق وتسلیت برای بازماندگان آن شهید برگزار کردند از طرف امیر اسماعیل خان، ومردم داغدار هرات، ابراز امتنان وتشکر می نمایم.

آقای خلیق علاوه نمود: «شخصیت جهادی وخدمات امیراسماعیل خان در سطح کشور نمونه است. اما متأسفانه که این شخصیت جهادی مورد ملامت واقع شده و در پاداش این همه زحمات ومجاهدت های پیروزمندانهٔ وی از یک طرف سینهٔ پسرش را دریدند واز جانب دیگر به وسیلهٔ یک تعداد بزدلان وخبرنگاران حق ناشناس خود فروخته، مورد اتهام قرار می گیرد.

جای تأسف است که چشم بعضی از مسؤولان ما را پردهٔ غفلت پوشانیده است ص۳

مراسم سوگواری شهید میرویس صادق در مزار شریف نیز دایر شد

روز پنجشنبه۱۳حمل مراسم باشکوه عزاداری باشرکت حدود ده هزار تن از بزرگان ومسؤولان اداری ولایات شمال کشور وهمچنان تعداد کثیری از علما ونخبگان نهادهای فرهنگی واجتماعی در مسجد جامع روضهٔ مبارک دایر گردید.

محفل باقرائت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد وپس از آن زندگی نامهٔ شهید میرویس صادق توسط صالح محمد خلیق خوانده شد.

در ادامهٔ محفل بیانیهٔ مشترک مسؤولان دولتی، شخصیت های سیاسی، علمی، محاسن سپیدان ونمام نهادهای فرهنگی اجتماعی ولایات شمال کشور توسط الحاج عبدالوهاب وکیل منتخب مردم قرائت گردید وطی این بیانیه حادثهٔ اخیر سوء قصد نافرجام برجان اسماعیل خان والی هرات وشهادت فرزند ایشان میرویس صادق به شدت مورد نکوهش قرار گرفت و دولت مرکزی به دلیل عدم پیگیری آن وقضایای مشابه آن مورد ملامت جدی قرار داده شد. ص۳



محفل بزرگداشت از شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی در سالن میوند

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

کنفرانس برلین و دولت مقتدر ملی

جامعهٔ جهانی در روز پنجشنبه هفتهٔ گذشته در کنفرانس برلین برحمایت خویش از افغانستان تأکید ورزید. جامعهٔ جهانی در پی مبارزه برضد تروریسم وفروپاشی رژیم طالبان وبه وجود آمدن تحول سیاسی نوین در افغانستان از کنفرانس بن تاکنون خود را در قبال ثبات وآرامش سیاسی اجتماعی افغانستان متعهد دانسته است. جامعهٔ جهانی برای این منظور در کنفرانس توکیو چهارونیم میلیارد دلار را برای بازسازی افغانستان اعتبار داد که تاهنوز بیشترین بخش آن هزینه شده است اما آثار مشهود این پول هزینه شده در افغانستان را به سختی می توان درحیات مردم دید.

مردم به این باورند که این پول ها بیشتر به جای این که در بازسازی افغانستان وزیرساخت اقتصادی ونهادینه کردن ثبات در این کشور به مصرف رسیده باشد، صرف تهیهٔ وسائل وابزارهای لوکس و دیکوراسیون دفترهای افراد بلند پایهٔ دولتی وپرداخت حقوق گزاف دلاری برای عده یی شده است که در غالب به گونه یی به این مأموران بلند پایهٔ دولتی نسبت وبستگی دارند.

بی تردید از این حمایت جامعهٔ جهانی واز تأکید برآن در کنفرانس برلین باید سپاس گزاری کرد چون بدون یاری رسانیدن جامعهٔ جهانی نمی توان به آیندهٔ امنیت وثبات در افغانستان وحتی در منطقه اطمینان داشت ولی باید توجه کرد که این یاری وقتی می تواند به سود افغانستان واقع شود وبه ثبات وامنیت در این کشور یاری رساند که یک نظام مردمی در این کشور به جای افراد وگروه های ویژه مورد توجه قرار گیرد. این دست کمک های جامعهٔ جهانی برای افغانستان تازمانی که یک حکومت منتخب مردمی بانهادهای لازم ان به وجود نیاید، نمی تواند مقاصد خود را به دست آورد. به باورما چنان که در قطعنامهٔ برلین نیز تأکید شده است که جامعهٔ جهانی در برگزاری انتخابات آزاد ریاست جمهوری وپارلمانی وتشکیل احزاب سیاسی و... در افغانستان تلاش ورزد، مهمترین سنگ زیر ساخت بازسازی وثبات در افغانستان فراهم ساختن زمینه برای به وجود آمدن یک حکومت مردمی است. این حکومت تنها می تواند توسط آرای خود مردم بدون هیچ گونه تزویر ونیرنگ به وجود بیاید وتوسط نمایندگان مردم مورد بازخواست وحساب دهی قرار گیرد.

دولت انتقالی کنونی مولود یک مرحلهٔ اضطراری بوده است که باید جایش را به حکومت منتخب آینده بدهد ورسالت خویش را فراهم آوردن زمینه برای برگزاری انتخابات جهت تشکیل این حکومت مردمی بداند نه وصایت دایم برمردم باترفندها ونیرنگ های چند گون.

لذا جامعهٔ جهانی که می خواهد برای بازسازی وصلح وثبات در افغانستان یاری رساند، پیش از هرچیزی باید برای برگزاری عادلانهٔ انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی در وقت معین آن توجه کند وساحت آن را از هرگونه دخالت ناشایست وغرض ورزی پاک دارد.

کنفرانس برلین

میلیاردها دلار کمک به افغانستان

کوه نوری

به تاریخ۱۲حمل سال جاری کشورهای کمک دهندهٔ افغانستان در شهر برلین پایتخت جمهوری فدرال آلمان گردهم آمدند تاضمن بررسی اوضاع افغانستان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی راه های کمک رسانی به این کشور جنگ زده را جستجو نمایند وتعهداتی جدید را در قبال بازسازی آن اعلان کنند.

هیأت دولت افغانستان که آن را آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ریاست می کرد، بابرنامه یی از قبل طرح شده به این کنفرانس رفت در حالی که این هیأت برای بازسازی وبه پا ایستاده کردن افغانستان۲۸ میلیارد دلار کمک را برای ۷سال آینده مطالبه داشت: کشورهای کمک دهنده به افغانستان اسناد وبرنامهٔ دولت افغانستان را بررسی وآن را تأیید نمودند و سرانجام پس از دو روز بحث وبررسی مبلغ ۸،۲ میلیارد دلار کمک برای سه سال آیندهٔ افغانستان وعده داده شد. مطابق به آنچه در برلین تصویب شد افغانستان برای امسال مبلغ۴،۳ میلیارد دلار پول دریافت خواهد کرد تا از آن در راستای تحقق برنامه های بازسازی هزینه کند.

اکنون معلوم شده است که چیزی برابر به ۳میلیارد دلار از این پول های کمک شده صرف مسائل امنیتی، بازسازی پلیس واردوی ملی افغانستان می شود که تقریباً نصف مبلغ کمک شده از سوی جامعهٔ جهانی می باشد.

عرصه های معارف، زراعت، صحت عامه، راه ها وامور مهاجرین نیز به درجات بعدی در کارنامه های دولت شامل است که قرار است پول هایی بیشتر نسبت به موارد دیگر روی آنها سرمایه گذاری گردد.

افغانستان از کنفرانس توکیو وعدهٔ کمک۴،۵ میلیارد دلاری را دریافت کرد وطوری که دیده شد چیزی نزدیک به این مبلغ وعده داده شده به مصرف رسیده است. در حالی که به قول میرمحمد امین فرهنگ وزیر بازسازی افغانستان تنها ۲۰ ٪ از این وجوه وعده داده شده به دولت افغانستان سپرده شده است وبس متباقی این پول ها از طریق مؤسسات سازمان ملل متحد وسازمان های غیر دولتی در افغانستان مصرف شده است که هیچ گونه راه بازجویی وحسابگیری از آنها نیز وجود ندارد.

اگر قرار است سازمان های غیردولتی باردیگر از این هزینه های کلان وعده داده شده تغذیه کنند، دولت باید راه درستی را در پیش گیرد که بتواند در فرصت های زمانی مناسب مسألهٔ حساب دهی را باآنها در میان بگذارد

هم دولت وهم کشورهایی دیگر دلیل می آوردند که چون افغانستان تازه از بستر جنگ برخاسته وشیرازهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وسیاسی آن از هم پاشیده بود، مقادیر هنگفتی از این پول ها صرف این مسائل وکمک های بشری به مردم افغانستان شده است.

این بار عقیده براین بود که درکنفرانس برلین باید تأکید صورت بگیرد که تمام وجوه وعده داده شده مستقیماً به دسترس افغانستان گذاشته شود تا افغانستان بتواند با در نظرداشت نیازهای خود به کار ساخت وساز افغانستان مبادرت ورزد. اینک این برنامهٔ افغانستان پذیرفته شده است وقرار است افغانستان خود بتواند این پول ها را دریافت کند.

هزینه گذاری۳میلیارد دلار در عرصهٔ امنیت در افغانستان یک مسألهٔ ضروری وکارساز است ویقیناً افغانستان بدون تأمین امنیت ورسیدن به ثبات واستقرار صلح نمی تواند کاربازسازی را خوبتر به پایان برساند بلی حالا که مبالغ هنگفت دیگر را افغانستان به خاطر بازسازی ونوسازی عرصه های دیگر وارتقای سطح زندگی مردم دریافت می کند می توان انتظار برد که افغانستان در سال های آینده بتواند زیربنای اقتصادی خوبتری برپا دارد که بربنیاد آن شالودهٔ اقتصادی فردای مملکت ما گذاشته شود.

اگر چنانچه بدون پرداختن به زیرساخت اقتصادی دولت وهزینه گذاری در آن راستاها بار دیگر سرمایه های به دست آمده صرف مصارف غیرضروری، انجوها، معاشات کلان دلاری کارمندان شان وخریداری موترهای لوکس وآخرین سیستم گردد، تداوم بحران اقتصادی وگسترش ابعاد بی کاری وصدها پدیدهٔ منفی ناشی از آن را درکشور می توان انتظار برد.

مسلماً مردم افغانستان توقع دارند که پول های دریافتی باید باشفافیت، عادلانه ومسؤولانه در راه های برنامه ریزی شده یی مصرف شود که بتواند افغانستان را از رکود فعلی وبحران جاری نجات [illegible]

تجربه نشان داده است که در هیچ کشوری انجوها قادر به بازسازی واحیای زیرساخت اقتصادی یک کشور نشده اند.

اگر قرار است سازمان های غیردولتی باردیگر از این هزینه های کلان وعده داده شده تغذیه کنند، دولت باید راه درستی را در پیش گیرد که بتواند در فرصت های زمانی مناسب مسألهٔ حساب دهی را باآنها در میان بگذارد وماحصل صرف مبالغ تادیه شده را نیز از آنها مطالبه کند تادیده شود که پول های کمک شده به افغانستان چقدر باروش های معقول ویا بی جا مصرف شده است ومردم افغانستان در شرایط کنونی چه مقداری به آنها نیازمند بوده است.

چارواکی باید دخلکو راتلونکی محاسبه له یاده ونه باسی

پامیر

دبرلین تاریخی کنفرانس یوځل بیا دافغانستان دانتقالی دولت چارواکی له ستر ازمیښت سره مخامخ کړل، موږ ولیدل چی دتوکیو په کنفرانس کی دافغانستان دبیارغاونی لپاره دځلورنیم ملیاردو ډالرو ژمنه وشوه او تیر کال تږدی دوه میلیارده ډالر دانتقالی دولت، نړیوالو موسسو او بیلابیلو انجوګانو له لاری افغانستان ته ورکړی شوی خو دبده مرغه کله چی دملت وګړی له خپل دولت، نړیوالو موسسو او ورسره یوځای له انجیوګانو څخه دتیرکال دلګښتونو رښه محاسبه غواړی نو نه دولت او نه نړیوالی موسسی او نه انجیوګانی دی ته حاضری دی چی حلکوته دمرسته شویو ډالرو محاسبه ورکړی او هغوی ته دا ثابته کړی چی له دغو مرستو څخه پرځای او معقوله استفاده شوی او اختلاس شوی نه دی.

موږ ولیدل چی دبرلین په کنفرانس کی دمرسته ورکوونکو هیوادو له غوښتنی سره سم دمحترم کرزی له خوا دمرستو لګښتونو په باب هغوی ته دقناعت وړ ارقام وړاندی نه شول خو څرنګه چی اوس لویدیځ هیوادونه ښه پوهیږی چی دافغانستان دامنیت په تامین کی بوللی، دښه ورسره دا لاره خلاصه ده چی خپل دښمنان وځپی او ځان دهغوی له شرنه خلاص کړی او هم دافغانستان له لاری دمنځنی اسیا او منځنی ختیځ دتیلو او ګازو حاصل خیزو زیرمو ته ئی لاس ورسیږی، په راتلونکی کی دسیمی له دغو هیوادو سره سوداګریز او اقتصادی اړیکی ټینګ کړی او هم دمنطقی په هیوادو باندی خپل سیاسی او ستراتژیک اثر وغورځوی نو دی ته اړ دی چی له افغانستان سره خپلو مرستو ته دوام ورکړی.

همدارنګه موږ ولیدل چی دبرلین په کنفرانس کی دځه دپاسه پنځوس هیوادو دلوړی کچی استازیو د اته اعشاریه دوو میلیاردو ډالرو د ورکړی ژمنه وکړه او یواځی په روان کال کی دی ته حاضر شول چی څلور اعشاریه پنځه میلیارده ډالر [illegible] په بیلابیلو پروژو باندی ولګوی. خو [illegible] چی ایا دانتقالی اداری چارواکی به دی وړتیا لری چی له دغو مرستو څخه دوراني [illegible] دبیا رغاونی [illegible] دی توان [illegible] دافغانستان [illegible] مظلومو او ځپلو خلکو [illegible] وړاندی کړی!

[illegible]

جمعیت اسلامی افغانستان شهادت میرویس صادق ...

ومی گذارند یک مشت فرصت طلب نظم وامنیت ما را برهم بزنند».
سپس مولوی غلام محمد پیرامون مقام شهدا صحبت نمود ومراتب تسلیت خود را برای امیر اسماعیل خان وبازماندگان شهید میرویس صادق ابراز نمود.
در این مجلس محمد صدیق چکری هم صحبت نمود وگفت: بدون شک شهادت مردان بزرگ، انسان ها را به دو


آیت الله شیخ محمد آصف محسنی


پوهنمل سیدعنایت الله شاداب


مولوی غلام محمد


محمد صدیق چکری

آزمون بزرگ مواجه می سازد که آیا اینها حق را حق وباطل را ناحق خوانده می توانند یا خیر؟
وزیر هوانوردی کشور در روز روشن توسط گلولهٔ جفا وظلم به شهادت می رسد قبل از این که کدام جنگی واقع شده باشد ولی عده یی هستند که حق وباطل را مغشوش جلوه می دهند.
من به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان از مقامات دولتی خواهشمندم تا در این مورد باجدیت عمل نمایند.
عده یی فکر میکردندکه قتل


عبدالشکور واقف حکیمی


سید محمود خلیق


احمدضیا رفعت


سید جلال گردیزی

میرویس صادق شاید تردد و تزلزل را در صفوف مجاهدین به میان آورد ، در حالی که به گفتهٔ هیأت مجاهدین که عازم هرات شده بود، صدها هزار نفردر تشییع جنازهٔ وی اشتراک ورزیده بودند. وما هم امیدواریم تا این گونه قتل هایی که به ناحق انجام می پذیرد انسجام بیشتر صفوف مجاهدین را سبب شود»
بعداً آقای احمدضیا رفعت رئیس نشرات وزارت تحصیلات عالی ومسلکی دولت انتقالی اسلامی افغانستان وسخنگوی شورای هرات پیرامون چگونگی شهادت میرویس صادق صحبت نموده گفت:
«ازچندی به این سو تبلیغات رسانه های دولتی وغیردولتی علیه هرات وجود داشته که مداخلهٔ خارجی در آن ذیدخل بوده است وقتل میرویس صادق نیز انگیزهٔ سیاسی دارد وبه هدف امتیاز جویی صورت گرفته است.
در افغانستان بحران اعتماد وجود دارد که این بحران از لویه جرگهٔ اضطراری تالویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی بیشتر آشکارا شده است. گمان می رفت که بحران اعتماد در لویه جرگهٔ قانون اساسی روز به روز برمبنای سیاست های مبتنی برعقلانیت سیاسی کاسته شده بروود اما دیدیم که نه تنها بحران سیاسی کاسته نشد، بلکه برآن افزوده شد وچیزی نمانده بود که پیامد این بحران، وثیقهٔ ملی کشور را به مخاطرهٔ جدی مواجه سازد.
حادثه های چون ترور میرویس صادق نیز در زمینهٔ بحران اعتماد تأثیر منفی برجا می گذارد. بازیگران سیاسی به یک نقطه باید متوجه باشند که چنین بازی هایی خطرناک در حالتی که کشور ما سخت نیاز به اعتماد سیاسی دارد، منافع ملی ما را در سطح کشور ومنطقه آسیب پذیر می نماید.
هرات بامدیریتی درست که توانسته است در راستای بازسازی، علمی، فرهنگی گام بردارد وامنیت ایجاد کند، باید الگو قرار می گرفت تااتهام به مرکز گریزی.
سپس سیدجلال گردیزی ضمن تأیید گفته های سخنوران گفت:
آنهایی که دین، ملت، ناموس وآبروی افغانستان را نگه داشتند آیا نمی توانند ادارهٔ مملکت را به دست داشته باشند؟ هرکسی که می خواهد روحیهٔ مجاهدین را به نام این که مجاهدین اداره چی نیستند، ضعیف نماید، اشتباه می کند. از مجاهدین در سراسر کشور شخصیت های سیاسی وعلمی وجود دارد که می توانند اداره چی خوبی باشند.
در اخیر مجلس استاد سیدعنایت الله شاداب رئیس دارالإنشای جمعیت اسلامی افغانستان ضمن ابراز تسلیت به بازماندگان وزیر هوانوردی وتوریزم گفت: «پس از واقعهٔ ۱۱سپتامبر تحولاتی به وجود آمد که مجاهدین به کمک نیروهای ائتلاف بین المللی لانه های تروریزم را در افغانستان نابودکردند. در این تحول به چند نکتهٔ اساسی می توان تکیه کرد؛ امنیت و وحدت کشور وآغاز حرکت بازسازی افغانستان. مجاهدین نیز در این ارتباط خود گذری کردند وآمادهٔ انتقال قدرت شدند.
امنیت، ثبات وبازسازی عناصر فلسفهٔ وجودی تحول انتقال قدرت را تشکیل می دهد اعتماد مردم نسبت به این تحول ورهبری درست در وهلهٔ اول برسطح بالایی قرار داشت. باگذشت زمان به خصوص بعد از لویه جرگهٔ اضطراری بحران اعتماد بیشتر از پیش آسیب پذیر شد که همهٔ آن را می توان درچند چیز خلاصه کرد:
۱- عدم توجه به واقعیت های موجود جامعهٔ افغانستان وفرصت دادن به سلیقه بازی ها در مورد تعین سرنوشت امروز وفردای کشور.
۲- فقدان دست اوردهای ملموس و درست در عرصهٔ امنیت وبازسازی.
۳- ارج نگذاشتن به فعالیت های بازسازی وامنیت آفرین که توسط برخی زمامداران مجاهدین در برخی ولایات صورت گرفت.
سوال این است که چرا در ولایاتی که امنیت وبازسازی حاکم است تبلیغات منفی به راه انداخته می شود.
امروز در هرات هم امنیت بوده وهم بازسازی پس چرا هرات آماج تبلیغات سوء مطبوعات دولتی وغیردولتی است.
محفل یادعائیه یی بر روان شهدای جهاد ومقاومت افغانستان به اختتام رسید.
گزارشگر: ندیم

استادربانی رهبر جهاد ومقاومت از کمک های...

که ایشان عناصراجنبی رادراین جنگهای تحمیلی مقصر دانستند. دوم ثبت نام رأی دهندگان ونداشتن آمار دقیق از شمار جمعیت کشور که مقامات نمی خواهند در این باب کار ثمر بخشی انجام دهند.
رهبر جهاد ومقاومت افغانستان با صراحت بیان داشت : که عدم توجه جامعهٔ جهانی به توصیه ها ومشوره های سالم مجاهدین سبب شد که امروز هم افغانستان وهم دنیای متحد نتیجهٔ آن را مشاهد کنند.
جنگ وادامهٔ خشونت در افغانستان وبرهم خوردن امنیت در منطقه وهمچنان برهم خوردن فضای صلح آمیز در بخش هایی از جهان نتیجهٔ مستقیم این عدم توجه جامعهٔ جهانی به افغانستان است.

مراسم سوگواری شهادت میرویس صادق...

در این بیانیه از دولت باقاطعیت خواسته شد موضوع را پیگیری نموده وعاملان آن را به چنگ قانون بسپارد.
در پایان بیانیهٔ مشترک، با اسماعیل خان والی هرات که دست آوردهای چشم گیر وعملی در هرات دارد وقابلیت بزرگ در تأمین امنیت وسازندگی را از خود به نمایش گذاشته است، اظهار همبستگی شد.
سپس مولوی صدیق صادقیار به نمایندگی از شورای علمای ولایات شمال کشور صحبت نموده گفت:
عمل سازمان داده شده یی در هرات به اجرا در آمده است و دولت به دلیل عدم پیگیری قتل های صورت گرفتهٔ قبلی مانند قتل دکترعبدالرحمن، حاجی عبدالقدیر و وزیر معادن وصنایع وهمچنان به دلیل عدم پیگیری قضیهٔ شهادت آمرصاحب مسعود، محکوم ومسؤول است.
محفل حوالی ساعت دوازده ونیم بادعایه یی برای خیروسعادت مردم افغانستان وطلب مغفرت برای شهدا به پایان رسید.

افغانستان ترټولو هیوادو فقیر. . .

نه یري ته رډي چي خپل پروګرامونه عملي کړي
ترڅو چي دبي وسلو کولو پروسه چټکه نه شي او دطالبانو دنفوذ مخه ونه نیول شي دپروژو تطبیقول ګران کار دي د ده په اند که له دغو مرستو څخه په بنه توګه کار واخیستل شي نو دافغانستان دقومي اختلافاتو او ملي روغې
جوړې په رامنځ ته کېدو کې هم ګټه ورسوي او داهم کیدای شي چي دولت له دغو پیسو څخه دورو استفاده وکړي او دغه مرستي پخیلو سیاسي کتو ولګوي چي په دې صورت کې به دغه پیسې دافغانستان دلارې او ستونزو دراميڅته کیدو لامل شي

تورن امان الله

یک فرماندهٔ حزب اسلامی دستگیر شد

فرمانده امان الله یکی از معروف ترین فرماندهان حزب اسلامی حکمتیار است که در زمان استقرار حکومت مجاهدین، بنا به شدت عمل وایستادگی در برابر دولت مرکزی شهرت یافت وتا پایان عمرحکومت مجاهدین همچنان مواضع خود را حفظ کرد، سرانجام در روز شنبه ۱۶حمل به دست نیروهای ائتلاف دستگیرگردیدوحالا او دراسارت آنان به سر می برد.
دگرمن هیلفرتی سخنگوی نیروهای ائتلاف در یک کنفرانس خبری که گزارش آن در برنامهٔ۱۷حمل بی.بی.سی به نشر رسید، این موضوع را تأیید کرد وگفت:
«ما معتقدیم که امان الله باحملات انتحاری سایر بمگذاری ها در کابل ارتباط دارد. ما از محل زندگی او بمب های دستی، گلوله های راکت، تفنگچه های بی صدا وموادی که برای ساختن بم استفاده می شود به دست آورده ایم. در حال حاضر او تحت بازجویی قرار دارد.»
در این گزارش آمده است که تعدادی از مردم ولایت میدان وردگ رهایی او را مطالبه کرده اند.
اما در گزارش فوق در مورد این که آیا مقاومتی هم در جریان دستگیری امان الله صورت گرفته است یا خیر؟ حرفی گفته نشده است. یک محافظ وی نیز یاوی دستگیر گردیده است.

نبردخونین میان آمریکایی ها وعراقیان...

اوایل روز سه شنبه، خبرگزاری ها از قول شاهدان عینی گزارش دادند که در شمال فلوجه درگیری سنگینی جریان دارد و صدای انفجار و آتش اسلحهٔ سنگین از این نقطه به گوش می رسد. عملیات تهاجمی آمریکا در فلوجه که مرکز مقاومت اهالی سنی عراق علیه نیروهای خارجی تلقی می شود در حالی صورت می گیرد که نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با شورش گروهی از شیعیان طرفدار مقتدا صدر در مناطق دیگر مواجه هستند. نیروهای ائتلاف دستور بازداشت آقای صدر را صادر کرده اند هرچند مشخص نیست که این دستور قرار است به چه نحو به اجرا گذاشته شود. در عین حال، ایالات متحده گفته است که موضوع اعزام نیروهای بیشتر به عراق را در دست بررسی دارد. با وخامت اوضاع امنیتی عراق، دولت ایران به شهروندان این کشور هشدار داده است که به عراق سفر نکنند. وزارت خارجهٔ جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه یی از زایرانی که در نظر دارند برای زیارت اماکن مذهبی شیعه عازم عراق شوند خواسته است به دلیل آنچه که شرایط بحرانی و فقدان امنیت در این کشور خوانده شده از سفر به عراق خودداری ورزند. قبلا تشکیلات ادارهٔ امور عراق شرایطی را به منظور نظارت بر سفر شهروندان ایرانی به عراق وضع کرده بود. این تصمیم پس از آن اتخاذ گردید که شایع شد تندروهای مسلح خارجی همراه زایران وارد عراق می شوند.
در درگیری با شیعیان مسلح زخمی شده اند.

سلام دل

ای بامن وپنهان چودل از دل سلامت می کنم
توکعبه ای هرجاروم قصدمقامت می کنم
هر جاکه هستی حاضری ازدوردرماناظری
شب خانه روشن می شود چون یاد نامت می کنم
که همچوباز آشنا بر دست توپرمی زنم
گه چون کبوتر پرزنان آهنگ بامت می کنم
گرغایبی هر دم چرا آسیب بردل می زنم
ورحاضری پس من چرادرسینه دامت می کنم
دوری بتن لیک از د لم اندردل تو روزنیست
زان روزن دز دیده من چون مه پیامت می کنم
ای آفتاب از دور تو بر ما فرستی نور تو
ای جان هر مهجور تو جان را غلامت می کنم
من آ ینه دل رازتو اینجا صقالی می دهم
من گوش خود را دفتر لطف کلامت می کنم
درگوش تو در هوش تو وندر دل پرجوش تو
اینها چه باشد تومنی وین وصف عامت می کنم
ای دل نه اندر ماجرامی گفت آ ن دلبر ترا
هر چند از تو کم شود از خود تمامت می کنم
ای چاره در من چاره گر حیران شوو نظاره گر
بنگر کزین جمله صور این دم کدامت می کنم
که راست مانند الف که کژچو حرف مختلف
یک لحظه پخته می شوی یک لحظه قامت می کنم
گر سالهاره می روی چون مهره ای در دست من
چیزی که رامش می کنی زان چیزرامت می کنم
ای شه حسام الدین حسن می گوی باجانان که من
جان راغلاف معرفت بهر حسامت می کنم

موج حوادث

چه گوهری تو؟ که کس را به کف بهای تو نیست
جهان چه دارد در کف که آن عطای تو نیست
سزای آنک زیه بی رخ تو زین بترست
سزای بنده مده، گرچه او سزای تونیست
نثار خاک تو خواهم به هر دمی دل وجان
که خاک برسرجانی ،که خاک پای تونیست
مبارکست هوای تو برهمه مرغان
چه نامبارک مرغی که درهوای تو نیست
میان موج حوادث هر آنک استادست
به آشنا نرهد چونک آشنای تو نیست
بقاندارد عالم وگربقادارد
فناش گیر، چواومحرم بقای تونیست
چه فرخست رخی کو شهبت راماتست
چه خوش لقابود آنکس که بی لقای تونیست
زرخم تو نگریزم که سخت خام بود
دلی که سوخته آتش بلای تو نیست
دلی که نیست نشد روی در مکان دارد
زلامکانش برانی که رو، که جای تونیست
کرانه نیست ثنا وثناگران ترا
کدام ذره که سرگشته ثنای تو نیست
نظیر آنک نظامی به نظم می گوید
«جفامکن که مراطاقت جفای تو نیست»

طنین موسیقایی در دیوان کبیر

محمداسحاق فایز

افزون بر ده قرن از عمر شعر فارسی - دری می گذرد و در طول این گذشتهٔ پر از فراز وفرود، شعر فارسی - دری را نیز اوج وحضیض هایی بوده است که پهلوانان ونامداران بزرگی توانسته اند از آنها بگذرند وفاتحان قله های بلند شعر فارسی - دری با شند وخود اوجی، ستیغی وقله یی.

مولانا جلال الدین محمد، فرزند نامدار بلخ که باآفرینش مثنوی عالمی از معنی وراز را در قالب دلنشین مثنوی انسجام بخشید وباتحلیل وتفسیر آیه های قرآن مجید وبسیاری از احادیث پیامبر، قرآن را در زبان پهلوی معرفی کرد، یکی از بلند ترین این قله های شعر فارسی - دری می باشد که تاحال هیچ کسی را یارای رسیدن به آن ستیغ نبوده است وهیچ شاعری نیز بااو هم وزن وبرابر شده نمی تواند.

مولانا وشعرش در طول سده های متوالی پس از خاموشی چراغ عمرش چاشنی بخش دل های مشتاقان عرفان، تصوف ومعرفت بوده است وتاهنوز که هنوز است بساط سماع متولیان دربارش آرامشی ندارد وشورش بزمش را خاموشی نیست.

چه رمز ورازی در کلام مولانا است که دلسوختگان طریقت ومشتاقان معرفت و وابستگان حقیقت ومعرفت را چون آهن ربایی به خود می کشاند وگم گشتگان وادی حیرت را به سوی طور موسی وهفت شهر عشق می کشاند. اما:

طنین وآهنگ کلام مولانا اعجاب انگیز وبسی وجد آور است. بسیاری از غزلیات مولانا در دیوان کبیر که اکنونش دیوان شمس نیز می خوانند در اوزانی سروده شده اند که گویی حیناگران وبربط نوازان در بزم طرب انگیز، مولانا را به عوالم دیگری از وجد وشور حال برده بودند که آن بزرگوار در ساحهٔ تأثیرات آن دنیای ویژهٔ معنوی آن ها را سروده است.

خوانندهٔ این غزلیات، خود بی حال می شود، شور مولانا را می یابد وگاه چنان بی خود می شود که گویی آن حال وهوای قرن ها قبل در دلش زنده شده است و او می بیند، مولانا در کار سرایش غزلیاتش پیوسته به ابداع وآفرینش اوزانی مطلطن دست یابد است واز این رهگذر او را می توان از یگانه های روزگار دانست، طنین واهنگ در این گونه غزلیات حضرت مولانا چنان است که خواننده از حال می شود:

معشوقه بسامان شد تا باد چنین بادا
کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا
ملکی که پریشان شد از شومی شیطان شد
باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا
یاری که دلم خستی، در بررخ مابستی
غمخوارهٔ یاران شد، تا باد چنین بادا

سوی لبش هرآنکه شد زخم خورد زپیش وپس
زانک حوالی عسل نیش زنان بود مگس
روی ویست گلستان، مار بود درونهان
جعد ویست همچو شب، مجمع دزد وهرعسس
کان زمردی مها، دیدهٔ مار برکنی
ماه دوهفته ای شها، غم نخوریم از غلس

مولانا باشور وحالی که دارد چنان باتردستی وزبردستی بر این چنگ جان زخمه می زند که مشتاقان دنیای خویش را برفرازه های آن امواج سهمگین به رقص وپایکوبی وامی دارد، موجهایی که فقط دریک تان شما را بالا وپایین می برد وشما بی آنکه بهراسید از آن به شوق وحال می رسید:

مرده بودم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
دولت عشق آمد ومن دولت پاینده شدم
دیدهٔ سیرست مراجان دلیر است مرا
زهرهٔ شیرست مرا زهرهٔ تابنده شدم
گفت که دیوانه نه ای لایق این خانه نه ای
رفتم ودیوانه شدم سلسله بندنده شدم

وباز در جایی دیگر:

دفع مده دفع مده من نروم تانخورم
عشوه مده عشوه مده عشوه مستان نخرم
وعده مکن وعده مکن مشتری وعده نیم
یابدهی یا زدکان تو گروگان ببرم
گر توبهایی بنهی تاکه مرا دفع کنی
رو که به جز حق نبری گرچه چنین بی خبرم

در این جا برفراز قلهٔ موجی قرار دارید که در بحری توفانی به قله های دیگر می نگرید چندان که باموج های همجوار فاصله یی چند قد می دارید:

سیرمگشت جان من، پیش مکن وگو که بس
گر چه ملول گشته ای کم نزنی زهیچ کس
چونکه رسول از قنق گشت ملول وشد ترش
ناصح ایزدی ورا کرد عتاب در عبس
گرنکنی موافقت، درد دلی بگیردت
همنفسی خوشت خوش، هین مگریز یک نفس

یا چنانکه جایی دیگر بدینگونه:

وباز می آورد:

مطرب عشق ابدم زخمهٔ عشرت بزنم
ریش طرب شانه کنم سبلت غم را بکنم
تاهمه جان ناز شود چونکه طرب باز شود
تاسرخم باز شود گل زسرش دور کنم
چونکه خلیلی بده ام عاشق آتشکده ام
عاشق جان وخردم دشمن نقش وثنم

این ها که برشمردیم از آن نوع اند که دکتر محمد رضاشفیعی کدکنی آن را موسیقی بیرونی دیوان شمس نام گذاشته است وبرتنوع وحرکت وپویایی اوزان عروضی آن، حکم می کند.

وی این نوع را به اوزان خیزابی، اوزان جویباری واوزان شفاف واوزان کدر تقسیم کرده است.

در مقابل اوزانی وجود دارند در دیوان شمس که حالت روان وکم خیزش دارند وبه آن می ماند که خواننده برقایقی بردریای آرام گذر کند و در این بحبوحه حرکت آرام قایق بردریا او را به خوابی شیرین فرو ببرد:

از دلبر ما نشان که دارد
در خانه مهی نهان کی دارد
بی دیده جمال او کی بیند
بیرون زجهان، جان کی دارد
آن تیر که جان شکار آن است
بشنای که آن کمان کی دارد.

وبا:

شب دوشینه ما بیدار بودیم
همه خفتند ومادرکار بودیم
حریف غمزهٔ غماز گشتیم
ندیم طرهٔ طرار بودیم
به گرد نقطهٔ خوبی ومستی
به سرگردندهٔ پرکار بودیم

نوع این حرکت ها باطنین موسیقایی ویژه در دیوان کبیر مولانا فراوان است که رسیدگی به هریک از آنان مقالی بزرگ وفرصتی دراز می طلبد روان آن سرسلسله عشق وعرفان شاد باد.

لنډه کیسه

ملامت څوک دی؟

ش- زیارمل

هغه وخت چي بازی بل ملك ته دخواری غریبی لپاره روان شو، صنم او دهغی دری بچیان ئی دخدای هیلی ته پریښودل. هغه که له یوی خوا بی کسی، خوروله نو له بلی خوا نیستی هم پرمخ څپری ورکولی، په خپله ارامه او صابره ښځه وه، دلوړی تندی حوصله ئی درلوده خو دخپلو ورو بچیانو لوږه ئی نه شوه زغملای، همدا لامل و چی دسورګل سوغات ئی ومانه او دهغه دغرض په لومه کی را ښکیل شوه.

وائی سور ګل ورته

خان دبازی اندیوال معرفی کړ، دهغی مرسته ئی خپل فرض وګڼله او ویل به ئی: «که بازی نشته نو زه خو یم تاسو به هیڅکله سختی ته پری نږدم...»

صنم هم ښکلی او هم پاك زړی وه، هغه پدی نه پوهیده چی بی مطلبه یارانه نه شته، نه پوهیده چی دسور ګل په خوږه مرسته کی ترخه زهر ګډ دی، هغه نه پوهیده چی دیوځناور دهوس په لومه کی به ښکیل شی، او دانسان په څیره کی به لیوه ورته په کمین کی ناست وی

هوکی! یوه شپه په داسی حال کی چی دصنم بچیان په خواږه خوب ویده وو، سورګل په دروازه ورننوت، صنم ترورره او حیرانه شوه، به خوله کی ئی لاړی وچی او اندامونه ئی ولړزیدل، په ورو شانته ئی ورته وویل:

دخدای له پاره، دپیغمبر په خاطر ژرشه ژرشه زما له کوټی ووځه. ما مه بدناموه، زما ژوند مه خرابوه ... خو سورګل چی له سترګو ئی دهوس بڅرکی له سفر نه راستون شو او هرڅه ئی په خپلو سترګو ولیدل

وائی یوه شپه په داسی حال کی چی بازی له خپلو ماشومانو سره ویده و دروازه وټکیده هغه له کټه را اوچت او تاری ئی کړی هلکه څوک ئی؟ درغلم!

نست جومات ته روان شو، سورګل لکه دخمکی خزری یو دم راښین شو، صنم او ترره شوه. په ژړا ژړائی وویل هله ژرشه ووځه. دخدای له پاره لاړشه. اوس به بازی راشی. هغه په ما او تا شکمن شوی. دخدای لحاظ وکړه. اخیر له ماته

بادیدل لکه دمرداری کجیر په صنم ورغوڅیده شو، صنم چیغی کړی، دګاونډیانو دمرستی غوښتنه ئی وکړه، خو دبده مرغه دژمی موسم و او دهرچا دروازه پوری وه نه ئی چا تاری سوری واوریدی او نه پری څوك خبرشول نوځکه خو ئی دمال جایداد پرځای عزت لوټ شو او هغه څه وشول چی باید نه وی شوی له دغی شومی شپی وروسته خدای خبر چی دغو تیل شویو اړیکو او د زور زیاتی یارانی ترکومه وخته دوام درلود. سورګل به تل دصنم له بی کسی او بی وسی ګټه اخیسته خو خبره هغه وخت رسوائی ته ورسیده چی کله بازی

سورګل چی دبازی اواز واورید دسترګو په رپ کی ئی ترپ وهل او له سیمی ووت بازی میرمنی ته سترګی واړولی او پوښتنه ئی تری وکړه: داڅوك و؟ په دی تورتم کی ئی څه کول؟ میرمن ئی په وارخطائی او بنده ژبه وویل: زه څه پوهیږم څوك و او څه ئی غوښتل.

بازی چی د دروازی تپك تپك او دخپل ښځی وارخطائی ته وکتل شکمن شو او بدګمانی ئی ورځ په ورځ زیاتیدله. هغه ئی کوله چی دتیری شپی دغه پټ راز کشف کړی. هره شپه به ئی پټه کوله خیل شاو خوا به ئی په خبر سره څارله

یو ماخوستن چی بازی دلمانځه په

څه غواړی؟ لاړشه. لاړ شه...

دصنم خبری لاپای ته نه وی رسیدلی چی بازی په کوټه ور ننوت او سملاسی په سورګل ورغوڅه شو خو هغه چی یو پیاوړی او دننګ ځوان و دسترګو په رپ کی له کوټی ووت او خان ئی خپل کلی ته ورساوه. بازی هم دهغه ترشاه لکه ښکاری باز ورشیتی و، خلکی ئی وریسی وهلی غل دی غل خلکو ونی سی غل دی!

سورګل لاخپلی کلاته رازی ته نه و رسیدلی چی بازی ئی غاړی ته لاس ور واچوه، دسورګل سور چی په جغنو راوسته شوه او په خبره ورسیده نو ئی په بدو کی بازی ته دخپلی

پیغلی لور اټکلی دورکړی وعده ورکړه او روانه جګړه ئی پای ته ورسوله.

بازی چی په خپلی کوټی ته ستون شو په خپله مظلومه میرمن ئی دتیرو او لرګیو باران جوړ کړ. هغه ئی تولنه ته دتورپه کنه تورن وهله، اجازه ئی ورنه کړه چی دخپلی بیګناهی او مظلومیت دفاع وکړی او خپله تنګدستی او بی کسی ورته بیان کړی.

کله چی دسهار سپیده وچاوده نو بازی هم له ځوتنو سپین پیرو سره دسورګل کورته ورننوت، دهغی پخلنه خورئی (انارګله) په بدو کی خپل کورته راوړه. نکاح ئی پری وتړله او دشپی ئی دکلی ښائی راوغوښت دمظلومی صنم سرئی ورکل کړ او وروسته ئی په ځوتنو انسان پلورنکو دلالانو وپلورله، ماشومان ئی تری ستانه او لکه دقصاب دغوا په څیرئی پری پرغاړه دښرا بازار ته روانه کړه ترڅونی په بل چاوپلوری.

خدای خبر چی صنم به نوری څومره نادودی وینی، له کوم ډول برخلیك سره به لاس او ګریوان شی. اما بیا به هم د یو بل بنازی او بل سورګل په غضب واننه وری؟ اما بیا نه هم دوه دری ماشومان بی سوره نه شی؟ اوس تاسو دوا وایاست چی ملامت څوك دی؟ جهل جنبیریل، بازی، سورګل، مظلومه صنم او یا هم بدو کی ورکړی انارګله!

ضرورت انسجام شیرازهٔ خانوادهٔ بزرگ نهضت وجهاد

اعزامی

مقابله با این تهاجمات، نیازمند برنامه ریزی جدید ودقیق است. اگر دیروز مصارف نظامی رقم درشت بودجهٔ مجاهدان راتشکیل می داد، امروز باید عکس آن، سرمایه گذاری در ابعاد فکری، فرهنگی وتبلیغاتی وبالأخص تربیهٔ سالم نسل جوان در محراق توجه آنان باشد.

امروزه بازنگری روی انسجام خانوادهٔ بزرگ نهضت وجهاد، از اولویت های مهم کاری ملت مسلمان ومجاهد افغانستان به شمار می رود وبدون ایجاد تشکیلات بزرگ نه تنها از دستاوردهای جهاد وافتخارات مجاهدان پاسداری کرده نمی توانیم، بلکه مدعیان جهاد ومبارزه از آن همه مدال هایی که در جریان کارزار به دست آورده اند محروم خواهند شد. روال معمول در دنیا طوری است که مسلمانان از عملکردهای مثبت شان کمتر مورد تقدیر قرار می گیرند. آنهم در شرایطی خاص وبه خاطر نیل به مقاصدی ویژه که دیگران از عهدهٔ انجام آن برآمده نتوانند، ولی بالمقابل این طیف در برابر اشتباهات وسهوهای ولو اندک شان مورد سوال قرار می گیرند وحتی بعضی ها باعجله پیشنهاد تشکیل دادگاه های خاص را می دهند تا فرصت نفس کشیدن وتأمل برای تحقق وارزیابی مسأله باقی نماند. نشر مطالب دین ستیزانه در رسانه های جمعی ومطبوعات در سایهٔ آزادی بیان ومطبوعات واظهارات آشکار وبی پردهٔ بعضی عناصر در محافل بزرگ ورسمی کشور، شواهد خوب این مدعاست. در این شکی نیست که هرمسلمان برمبنای رسالت ایمانی خود، باید حتی المقدور در برابر همچو جریانات بی تفاوت نماند وباجان ومال وزبان وقلم وغلب واکنش نشان بدهد، مگر این عکس العمل های انفعالی وغیر متشکل، پاسخگوی سیل تهاجمات نبوده وتاثیری به سزا به جا نمی گذارد. اگر منظور از این همه غوغا فقط پرسان ومحاکمهٔ عناصر خاطی وساهی باشد، چندان نگران کننده نیست وهرمسلمانی به حکم ایمانش نباید از خطاکاران وسهو کنندگان جانبداری کند، بلکه هرخطا کاری باید از خطاهایش چه در سنگر، چه در مهجر وچه در مقر حساب بدهد، ولی تاجایی که از شیوهٔ برخورد وکنه مقاصد غوغا گران برمی آید، هدفی بالاتر از حساب گیری وحساب دهی بوده ومهاجمان گهگاهی آگاهانه ویا نا آگاهانه ایمان وعقاید مردم را نشانه می روند که این حالت، همان خط قرمزی است که سکوت در برابر آن جفا است وباید در روشنی شریعت وقانون باهمچو قضایا برخورد کرد.

بنده در یکی از شماره های گذشتهٔ هفته نامهٔ مجاهد، جریان گزارش محفلی را مطالعه کردم که عده یی از بزرگان جهادی روی ضرورت انسجام امور فرهنگی وتوجه به تربیهٔ فکری نسل جوان واتخاذ موقف واحد در برابر حوادث، فرمایشاتی داشتند، سخنرانان هریک به نوبهٔ خود روی نارسایی ها وغفلت های گذشته به خاطر دست کم گرفتن مسائل فکری وفرهنگی نهضت وترکیز روی مسائل نظامی، تلویحاً سخنانی ایراد فرمودند. بعضی ها توجه به امور نظامی را در دورهٔ جهاد یک ضرورت تلقی می کردند ولی در شرایط فعلی که بازار جنگ کساد گردیده، توجه به امور فرهنگی وفکری وخاصتاً انسجام وبرنامه ریزی میان نهادها وسازمان های همفکر وهمسو را ضرورت مهم تر از آن قلمداد کردند. بعضی دیگر عوامل خارجی را مانع کم توجهی دولت مردان نسبت به فرهنگ در دوران حکومت مجاهدین وانمود کرده گفتند که فقط ملت های دارای استقلال فکری وفرهنگی در مقابله باحوادث، توان استقامت ودوام را دارند وبس. بعضی دیگر بدون مجامله وابهام اظهار داشتند که ماشکست مجاهدین را در برنامه، خط واهداف رهبران وتنظیم ها جستجو می کنیم وبرای رفع این نقیصه به جای تنظیم وتفنگ باید پیام دین را باجرأت به ملت برسانیم وراه نیل به این آرمان، تربیهٔ نسل جوان وفرزندان وطن بامعیارها وارزش های فرهنگ اسلامی می باشد.

عده یی دیگر از سخنرانان برنقش مهم فرهنگ اشاره نموده وگفتند: ما باید دیانت وسیاست مان را باعقل وفرهنگ تجهیز کنیم، شورای بزرگی ایجاد کنیم تا زمینه های وحدت عمل مجاهدین جستجو شود وکارسیاسی ما بربنیاد فرهنگ استوار گردد، ما به خانوادهٔ بزرگ نهضت اسلامی وجهادی تعلق داریم، نباید موسمی عمل کنیم بلکه باید یک تنظیم نوایجاد کنیم که کار فرهنگی بنیاد حرکت آنان باشد. در اخیر یکی از زعما به جمع بندی مطالب گفته شده پرداخت وهدف همایش نامبرده را انسجام امور فرهنگی مجاهدین وداشتن کاندیدای واحد در انتخابات ریاست جمهوری معرفی کرد.

متأسفانه عادت ما افغان ها چنان است که علاج واقعه را قبل از وقوع نمی کنیم وهرگاه به مصیبتی وتنگنایی گیر ماندیم، بریکدیگر فریاد می زنیم که بیایید در کنار هم باشیم، درغیر آن توفان حوادث همهٔ مان را از صحنه بر می دارد. چه خوب است که بزرگان ما وعناصر چیز فهم ما در پرتو آموزه های دینی وتجارب عملی زندگی، مصائب وحوادث را قبل از آن که دامنگیر ما گردد، درک کنند وبرای جلوگیری ویا مصئون ماندن از آن راه و چاره یی تدارک ببینند. نوسانی عمل کردن وموسمی حرف زدن، اعتماد فیما بین را خدشه دار می کند وهمان قصهٔ گ گ آمد برما مصداق پیدا می کند.

حقیقت امر این است که زمان در حال حرکت است وهرمقطع مقتضیات خاص خود را دارد، دیروز تعدد تنظیم ها وگرفتن تفنگ در مقابله با اشغالگران یک ضرورت بود ومنهای آن دوحربه نمی توانستیم که بادشمنان به نحو احسن مقابله کنیم، ولی شرایط وخواسته های امروز غیر از دیروز است. امروز جنگ تفنگ، جایش را به جنگ فکر وعقیده گذاشته، دیروز ملت ما ونهضت ما آماج شلیک گلوله ها بود، ولی امروز همهٔ آماج تهاجم، جهاد ملت ما را مورد هدف قرار داده اند. مقابله با این تهاجمات، نیازمند برنامه ریزی جدید ودقیق است. اگر دیروز مصارف نظامی رقم درشت بودجهٔ مجاهدان راتشکیل می داد، امروز باید عکس آن، سرمایه گذاری در ابعاد فکری، فرهنگی وتبلیغاتی وبالاخص تربیهٔ سالم نسل جوان در محراق توجه آنان باشد.

دشمنان میان تنظیم ها ومجاهدین ورهبران فرق نمی گذارند، مهاجم ومدافع وملامت وسلامت نزد آنها ارزشی ندارد وبالآخره بنیاد گرا ومیانه رو همه در ترازوی اغیار در یک پله گذاشته می شوند. تقسیم بندی هایی که درمیان مجاهدین می شود، همه از ایمان ضعیف ما نشأت می کند که گویا مهاجمان وبنیاد گرایان محکوم شوند مدافعان ومیانه روان سند برائت بگیرند. حال آن که این تقسیم بندی ها همه دام های فریبی اند تا ما در مجموع اغفال شویم وکاری را که باید امروز کنیم، آن را به فردا بیفگنیم، چنان که همین غفلت ورزی ها موجب شد که کارهای دیروز را به امروز محول کردیم وحالا همه به آواز بلند فریاد می زنیم، هله زود شوید که خطر در کمین است، باید اعضای خانوادهٔ جهاد ونهضت سرعقل آمده و در برابر توطئه ها مواضع همسان داشته باشند!

هنوز در گوش های مان پنبهٔ غفلت وبی تفاوتی سنگینی می کند وچشمان مان از رؤیت حقایقی بسیار، عاجز است. دور اندیشی و واقع نگری از صفحهٔ ذهن ما زدوده شده وهرگاهی بامشکل بالفعل ومحسوس مواجه شدیم، شعار وحدت سرمی دهیم وزمانی که فشار تخفیف یافت، به عقب برمی گردیم. اکنون محاسبه از عملکردهای گذشته جدی ومسالهٔ انتخابات در پیش است وبه تنهایی نمی توانیم با این چالش ها دست وپنجه نرم کنیم، ناگزیر شعار وحدت را بلند می کنیم، دیده شود که این وحدت خواهی ها تاچه زمانی وتاکدام مستوایی دنبال می شود؟

متأسفانه امروز مجاهدین به جای این که برگذشته های مملو از حماسه وافتخار خویش ببالند ودیگران مرهون فداکاری های آنها باشند، برعکس این ها بدهکار دیگران اند، هر روز منت می شنوند وهرسنگ وچوبی برفرق آنها شکستانده می شود. سکوت در برابر این وضعیت دال برملامتی مجاهدین است، قبول این ملامتی شاید خلاف ارادهٔ ملت باشد ودست اندرکاران، فردا بتوانند جواب قناعت بخشی برای مردم ارایه کنند. هنوز زیاد ناوقت نیست وحرف ها وفرمایشات بزرگان نهضت وجهاد درهمان همایش همه بجا ومطابق باواقع اند، آنچه که کمبود احساس می شود، در قدم اول اخلاص، دلسوزی ونیک نیتی است و در قدم دوم عمل مجدانه به آن.

چارواکی باید دخلکو راتلونکی محاسبه . . .

تیروخت وبنودله چی ددولتی چارواکیو دناسم پلان او پروګرام او یا په خپل نفس باندی دحاکمیت دنشتوالی لـه امله دولتی اداره لـه فوق العاده بیروکراسی او اداری فساد سره مخامخ وه. دولتی مامورینو پـه داسی اندازه بډو، درغلی سازښ، اختلاس او دملی شتمنیو لـوټ تالان تـه لاس اچولی و چی ساری ئی پـه تیروخت کی نـه لیدل کیږی. خو نـه کلـه کـوم بډی خـور او اختلاس کـوونکی [illegible] لاندی ونیـول شـو او نـه دهغـوی پـه وړانـدی دمبـارزی لپـاره کومـه طـرح جـوړه شـوه چـی هغـه دی دبیـرتی بیروکراسی داصلاح او سـمونی لامـل شی او نـه اداری سـمونی وشـوی چـی کار دکار اهل ته ورسپارل شی

دادی اوس بیـا چـی یـواځی دروان کـال لپـاره خلـور [illegible] ملیـارده ډالـر دافغانسـتان دبیا رغـاونی لـه پاره ټـاکل شوی پـه دی کی شک نشته چی ددغـو [illegible] زیاته برخه به بیا هم په شخصی جیبونـو او داسـی پـروژو کـی ولګـولی شی چی هغـه اصلاً [illegible] دخلکو [illegible] [illegible] دوا کولای او [illegible] انجوګانی مری چرچی وکړی

دافغانسـتان خلـك اوس داغـواړی چی دهغـوی دبی شمیره وزګارو لپاره داسـی پـروژی جـوړی شـی چی پـه هغـو کی کـار او تولیـد وکړی او حلالـه ډوډی ترلاسه کړی نـه داچی دمحترمو وزیرانو پـه ډالـری معاشـونو، دسـترخوانونو پـه لګښـت او بهرنیـو هیـوادو تـه پـه بـی شمیره سفرونو ولګـول شی

باید دافغانستان دولـت پـه [illegible] مسئولیت او [illegible] [illegible] دغـه بهرنـی مرستی ولګوی، باید لـه دی ورڅـه [illegible] په خپـل [illegible] دمتکـی کیـدو لپـاره ستری زیربنـائی پـروژی لکـه دبریښنـا، مخـابراتو، پـوهنی، کـانونو دابرسـیرونی، زراعتـی او صنعتی بنیـادی تاسیساتو جـوړونې [illegible] وارووو ترڅـو ددغـه راز [illegible] لـه [illegible] هم مـوږ وکـولای شـو چی دخپل زراعت او صنعت اوومه مواد په خپل هیواد کی تولیـد او پـاخه [illegible] [illegible] [illegible] روزګاروتـه [illegible] [illegible] شی

مـوږ دافغانستان مرکـزی دولـت تـه دا یادونـه ضـروری بولـو چـی دافغانسـتان خلـك بـه ددغـه راز مرسـتو دبیسـی پیسـی حسـاب لـه دوی سـره وکـړی او کـه دغـه بیسـی چـی اصلاً دافغانسـتان لـه خوریـدلو خلکـو سـره دمرستی پـه نامـه راتـول شـوی او بـی ځایـه ولګـول شـی نـو پـه هغـه صـورت کـی بـه بیـا ددغـه تـاریخی [illegible] بـار دچـارواکیو پـه اوږه وی او هیڅـوك بـه ئـی هـم دخلکـو لـه راتلـونکی محـاکمی ځخـه ونـه ژغـورل شـی هیلـه ده چـی دراتلونکی محـاسبی لپـاره سـرله اوس ځخـه لازمـه محـاسبی او بـه [illegible] سـره یـوی ګـډ واحساس شی

نگاهی به کنفرانس برلین

مجتبی مهرورز

کنفرانس بین المللی کشورهای کمک کننده به افغانستان که به مدت دو روز ۱۲-۱۳ حمل درشهر برلین کشور آلمان برگزار گردید با وعدهٔ کمک ۸،۲ میلیارد دلاری وقطعنامهٔ برلین به روز پنج شنبه گذشته پایان یافت.

در این کنفرانس بیش از شصت کشور کمک کننده به افغانستان به علاوهٔ نمایندگان سازمان ملل متحد ، بانک جهانی و پیمان اتلانتیک شمالی وهیأت بلند پایهٔ دولت افغانستان به رهبری حامد کرزی اشتراک داشتند.

بنا به گفتهٔ بشردوست وزیر پلان دولت افغانستان، انجو ها و سازمان های غیر دولتی و خارجی ها ، پلان هفت ساله یی برای جلب و جذب کمک های جامعهٔ بین المللی تهیه نموده و خواهان ۲۸ میلیارد دلار شده بودند دولت وانجو ها در آستانهٔ آغاز کنفرانس سندی را منتشر ساختند و به جامعهٔ جهانی هوشدار دادند اگر به تقاضای ایشان پاسخ مثبت داده نشود افغانستان یکبار دیگر به دور جدید خشونت ها کشانده خواهد شد. این سند که به نام تأمین آیندهٔ افغانستان مسمی شده است و اندکی با نیازمندی های کشور همخوانی دارد از جامعهٔ جهانی ۲۸ میلیارد دلار را به خاطر توسعهٔ اقتصادی خواسته است. دولت و انجو ها هفت میلیارد دلار در ارتباط به سرمایهٔ انسانی وحمایت اجتماعی از جامعهٔ جهانی تقاضا نموده اند که بر پایهٔ این سند از این طریق می توان یک ملت با ثبات ایجاد کرد و خدمات صحی و آموزشی مهیا نمود تا خدمات حد اقل به حمایت اجتماعی عرض وجود نموده وبه اقشار بی بضاعت کمک کند.

روز اول کنفراس برلین با سخنان افتتاحیهٔ نخست وزیر آلمان وعده یی از وزرای خارجهٔ کشور های کمک کننده پیرامون اوضاع افغانستان و کمک های کشور ها آغاز گردید و با کنفرانس مطبوعاتی مشترک رئیس دولت افغانستان و کولن پاول وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و دیگران خاتمه یافت در روز دوم کنفرانس که تحت ریاست پیتر شتروگ وزیر دفاع آلمان ودکتر زلمی رسول مشاور امنیتی رئیس دولت برگزار گردید سخنرانان عمدتاً پیرامون اوضاع امنیتی، گسترش آیساف به خارج از کابل، توسعهٔ تیم های بازسازی ولایات، اجرای برنامهٔ خلع سلاح و ملکی سازی (DDR) تشکیل اردو و پولیس ملی و

نیروهای آیساف و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا تا وقتی در افغانستان باقی خواهند ماند که نیروهای جدید اردوی ملی و پلیس ملی تشکیل و قادر به حفظ امنیت در سراسر کشور گردند

امنیت و تقویت نظام قضایی ، اصلاحات در سیستم استخبارات ملی ، ایجاد کمیسیون حقوق بشر و مااین پاکی نظرات خویش را بیان نمودند.

در پایان روز دوم، اعلامیهٔ برلین تصویب و نشر گردید.

جامعهٔ جهانی در اعلامیهٔ برلین متعهد شدند که نیروهای آیساف و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا تا وقتی در افغانستان باقی خواهند ماند که نیروهای جدید اردوی ملی و پلیس ملی تشکیل و قادر به حفظ امنیت در سراسر کشور گردند در مادهٔ دوم اعلامیه تعهد جامعهٔ جهانی به تأمین امنیت و ثبات از طریق گروه های بازسازی در ولایات تکرار گردیده است در مادهٔ سوم پیش بینی شده است تا ماه جوزای ۱۳۸۳ برنامهٔ خلع سلاح و ملکی سازی افراد نظامی ختم شود. مادهٔ چهارم بر تأمین امنیت از طریق ایجاد نظام قضایی فعال و همه گیر و حاکمیت قانون تأکید شده است.

طرق محو کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر در مادهٔ پنجم انعکاس یافته است البته با مساعی مشترک دولت افغانستان و جامعهٔ بین المللی در بارهٔ تقاضای دولت افغانستان برای تثبیت هشت میلیارد دلار برای هفت سال آینده تحت عنوان تأمین آیندهٔ افغانستان تبصره شده است که این مبلغ و پروژه به زمان زیاد ضرورت دارد و این نکته در مادهٔ ششم انعکاس یافته و تعهد گردیده است که برای سه سال آینده هشت میلیارد دلار به خاطر بازسازی افغانستان پرداخت خواهد شد همچنان در اعلامیه گفته شده است کمک ها باید از طریق مساعدت به بودجهٔ دولت افغانستان صورت گیرد.

در سند دیگری بر اهمیت اصلاحات ، مشارکت فعال زنان مطابق قانون اساسی ، تشویق جامعهٔ بین المللی برای ساختن افغانستان نوین تأکید گردیده است همچنان در این سند تأکید شده است تا انتخابات آزاد و عادلانهٔ ریاست جمهوری و پارلمانی بر گزار گردد و زمینهٔ مساعد برای انتخابات از قبیل امنیت انتخابات ، تشکیل احزاب ، آزادی فعالیت های کاندیدها، آزادی بیان، اصل عدم تبعیض ، شرکت زنان و .... ایجاد گردد.

از جملهٔ ۲۸ میلیارد دلار تقاضا شده ، یک سوم آن یعنی۸،۲ میلیارد دلار برای سه سال آینده تعهد شدکه از آن ۴،۵ میلیارد برای سال اول اختصاص یافته است.

به نظر تحلیلگران پولی که به بازسازی افغانستان در کنفرانس برلین تعهد شد در مقایسه به کشورهای عراق، تیمور شرقی و کوسوو نهایت کم است و از طرف دیگر ضعف حکومت مرکزی و مشکل موجودبر سر راه تطبیق پروژه ها از قبیل عدم تسلط حکومت بر ولایات و عدم امنیت در میان برخی موجب این دلهره شده است که دولت نتواند از این وجوه در بازسازی کشور به طور شایسته و بایسته استفاده نماید.

خونها و قیمت ها!!

وحید مژده

شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از یازده سال طی قطعنامه یی به تحریم های اقتصادی علیه لیبی پایان داد. این تحریم ها به دنبال متهم شدن لیبیا به انفجار یک طیارهٔ خطوط هوایی پان امریکن در سال ۱۹۸۸ علیه این کشور اعمال گردیده بود. در نشستی که مقامات آمریکایی، انگلیسی و لیبیایی در لندن برگزار کردند، مقامات دولت تریپولی پذیرفتند که نامه یی را در اولین فرصت به شورای امنیت سازمان ملل بفرستند و در این نامه ذکر کنند که دولت لیبی مسؤولیت انفجار هواپیمای ۱۰۳ پان آمریکن را که در لایکربی اسکاتلند در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ سقوط کرد، می‌پذیرد. در این حادثه تمام ۲۵۹ سرنشین هواپیما که بطور اکثر امریکایی بودند و ۱۱ تن از افرادی که در محل حضور داشتند، کشته شدند.

اکنون لیبیا به قربانیان این حادثه در مجموع دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار یعنی به هر کدام از خانواده های قربانیان این ماجرا ده میلیون دلار خواهد داد. این پول را یک بنیاد خیریه در لیبی که ریاست آن را یکی از پسران معمر القذافی به عهده دارد می پردازد و اعلام نموده است که پرداخت پول به معنی پذیرفتن مسؤولیت انفجار نیست.

قطعنامه با مخالفت فرانسه مواجه شد علت اعتراض فرانسه این بود که میزان غرامتی که به خانوادهٔ قربانیان حادثه لایکربی پرداخت می شود بیشتر از غرامتی است که قرار بود به خانوادهٔ قربانیان یکی از هواپیماهای خطوط هوایی فرانسه پرداخت شود. طیارهٔ فرانسوی هم در همان سال بر فراز کشور نیجریا در غرب افریقا منفجر گردید و در این انفجار نیز کشور لیبیا مقصر قلمداد گردید.

الیبیا پرداخت مبلغی در حدود سی وسه میلیون دلار غرامت به فرانسه را پذیرفته بود اما بعد از این که لیبیا پرداخت خونبهای به مراتب بیشتر برای امریکایی ها را در ماجرای لایکربی پذیرفت، دولت فرانسه نیز خواستار خونبهای بیشتر شد. در مذاکرات میان فرانسه و لیبیا بر سر افزایش خونبها توافق بعمل آمد و فرانسه از مخالفت با تحریم دست برداشت اما خونبهایی که لیبیا برای قربانیان طیارهٔ فرانسوی خواهد پرداخت از

قیمت جان انسانها در جهان از یک قاره به قاره یی دیگر، از یک کشور تا کشوری دیگر و از یک ملیت تا ملیتی دیگر به شکل بسیار سرسام آوری تفاوت می کند حتی خونبهای امریکایی و اروپایی از هم فرق دارد.

خونبهای قربانیان حادثهٔ مشهور به لایکربی کمتر خواهد بود.

از طرف دیگر در سال ۱۹۸۸ یک طیارهٔ مسافربری ایرانی که با ۲۹۰ مسافر و سرنشین از بندرعباس عازم امارات متحدهٔ عربی بود در فضای خلیج فارس مورد اصابت موشکی که از کشتی طیاره بردار امریکایی بنام وینسنس قرار گرفت و همه مسافران و خدمهٔ طیاره از بین رفتند.

امریکا حاضر شد تا به هر خانواده از قربانیان شاغل ۳۰۰ هزار دلار و به قربانیانی که شغلی نداشتند و بیشتر زنان و اطفال را شامل می شدند مبلغ ۱۵۰ هزار دلار بپردازد.

سال گذشته نیرو های امریکایی در عراق اشتباها چند تن از اعضای یک خانوادهٔ عراقی را هدف گلوله قرار دادند که طفل خانواده کشته و مادر و دو برادرش را شدیدا زخمی نمود. امریکا به خانوادهٔ عراقی در برابر طفل کشته شده اش ۲۵۰۰ دلار و برای سه زخمی این ماجرا هرکدام ۱۵۰۰ دلار پرداخت.

اما در افغانستان خونبهای انسان ها بسیار کمتر است یا بهتر است بگوییم بهایی وجود ندارد. در ماجرای بمباران محفل عروسی در ارزگان که طی آن ده ها نفر کشته و مجروح گردیدند نه تنها خونبهایی پرداخت نشد بلکه حتی به خاطر این اشتباه کسی از خانواده های قربانیان و مجروحان حاضر به معذرت خواهی نیز نشد.

در ماجرای دیگری در ولایت کنر منزل مولوی غلام ربانی یکی از اعضای جبههٔ متحد و والی سابق کنر بمباران شد. در این ماجرا نه نفر بی گناه از اعضای خانوادهٔ او به شهادت رسیدند. بمباران به هدف کشتن حکمتیار صورت گرفت اما این که حکمتیار در محل بمباران حضور نداشت اشتباه حمله کنندگان تلقی نگردید در این مورد نیز نه تنها خونبهایی پرداخت نشد بلکه اعتراف به اشتباه هم صورت نگرفت. فقط وعده داده شد که در مورد این حادثه تحقیق صورت خواهد گرفت.

در ماجرای دیگری شخصی به نام کالن بیری که تابعیت انگلیسی داشت، در هوتل انترکانتی ننتال کابل دو نفر افغان را به قتل رسانید. اختلاف ظاهرا بر سر معامله مواد مخدر بود. این شخص نه تنها محاکمه نشد بلکه پس از مدت کوتاهی مورد عفو قرار گرفت و به کشور خود بازگشت. و این در حالی است که برای دو تن افغان که به اتهام قتل یک زن فرانسوی در غزنی دستگیر گردیده بودند سارنوال تقاضای اشد مجازات یعنی اعدام نمود.

در مورد دیگری باز هم چند طفل هدف فیر موشک از یک طیارهٔ امریکایی قرار گرفته و همه کشته شدند. در این مورد نیز تحقیق خواهد شد.

جالب است که به بازماندگان قربانیان ماجرای ۱۱ سپتامبر بین یک میلیون و هشتصد هزار تا هفت میلیون و نه صد هزار دلار پرداخت گردید و این در حالی است که غرامت گیرندگان به این مبلغ راضی نیستند و از کشور هایی چون عربستان سعودی و حتی افغانستان خواهان غرامت به مراتب بیشتر اند چنانچه سال گذشته یک دادگاه در نیویارک ادعایی را علیه افغانستان برای پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان آن حادثه مطرح کرد.

در اینجا باید نتیجه گرفت که قیمت جان انسانها در جهان از یک قاره به قاره یی دیگر، از یک کشور تا کشوری دیگر و از یک ملیت تا ملیتی دیگر به شکل بسیار سرسام آوری تفاوت می کند حتی خونبهای امریکایی و اروپایی از هم فرق دارد. بهای جان انسان ها را نباید فقط به این دلیل که همه انسان اند، باهم یکسان و مساوی گمان کرد. هرچند رنگ همه خونها با هم مشابه است اما بهای بعضی از خون ها گران قیمت تر و برخی کم ارزش تر است و بعضی هم اصلا ارزش و بهایی ندارد. آیا حق با احمد مطر شاعر عرب نیست که گفته است: خداوندا! به ما ملیت امریکایی اعطا کن تا در کشور های خود با عزت زندگی کنیم؟!!

تلاش هایی پیگیر به منظور پخش اسلام در روسیه ...

پایان روزگار الحاد

□ چه دیگرگونی هایی پس از پایان یافتن نظام کمونیستی سابق رونما شده است؟

■ می توان گفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زمینه هایی مناسب برای نهضت اسلامی در روسیه فراهم شده، و مسلمانان می توانند بدون کدام هراس و دلهره یی به اجرای مراسم دینی خود بپردازند. و به همین ترتیب برای نخستین بار بعد از سقوط شوروی در این سرزمین پروژه های اعمار مساجد راه اندازی شد وده ها مدارس ومؤسسات آموزشی و تربیتی گشایش یافت. در سال ۱۹۹۲ م همایش سرتاسری مسلمانان روسیه برگزار شد و بر اساس تصمیم های خوبی که در این همایش اتخاذ گردیده بود، ارگان های متعددی در امور دینی در مناطق مختلف روسیه بنیان نهاده شد. این تحول باعث پیشرفت تعلیم و تربیهٔ اسلامی وظهور مدارس دینی در جای جای روسیه شد و هزاران دانش آموز و دانشجوی مسلمان به این مراکز سرازیر گردیدند که شماری از آنان طی بورس های متعدد تعلیمی به دانشگاه ها و مؤسسات تعلیمی کشور های عربی اعزام شده اند. و به منظور انسجام بهتر فعالیت های دینی و اجتماعی سازمان های اسلامی جمهوریت های مختلف این منطقه، مرکزی بنام مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان در ۱۹۹۲ م تاسیس یافت و مسألهٔ ثبت دتسجیل این مرکز در دولت روسیه بحیث یک سازمان بزرگ ملی اسلامی به سال ۱۹۹۴ م نهایی گردید.

دور نمای درخشان

□ اکنون مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان روسیه مصروف چه کارها است؟

■ بی تردید این مرکز بزرگ اسلامی در حال حاضر به فعالیت های خوب وسازنده یی اقدام کرده است، بگونه یی که در فعالیت های سازمان های اسلامی در مناطق مختلف روسیه وسایر جمهوریت هایی که سابق تحت تأثیر روسیه بودند، انسجام و هماهنگی ایجاد نموده است که از حقوق مسلمانان نیز حمایت می کند و در فرصت هایی مناسب به تفهیم ویژگی های دین اسلام برای دولت روسیه هم می پردازد.

در چهارچوب همین تحرکات مثبت، این مرکز دیدار هایی با رئیس کنیسهٔ روسیه و شماری از وزرا وروٌسای ارگانهای مختلف دولتی انجام داده است. در شرایط فعلی روابط تنگاتنگی در میان مرکز هماهنگی مسلمانان وعده یی از سازمان های اسلامی در خارج از روسیه وجود دارد، طوری که با برخی از این سازمان ها موافقت نامه های همکاری در عرصه های مختلف نیز به امضا رسیده است. همچنان روابط دوستانه یی با سفارتخانه ها و نمایندگی های سیاسی و فرهنگی ممالک اسلامی مقیم روسیه داریم و این پیوند ها و دیدار ها در واقع برای ما انگیزه یی بزرگ می بخشد که با دل گرمی کارهای مان را سمت و سو بدهیم و قطعاً احساس نماییم که ما نیز جزئی جدایی نا پذیر از پیکرهٔ امت اسلامی هستیم. امروزه در بسیاری از مناطق روسیه مراکز آموزشی زبان عربی و اصول دین وجود دارد، و در اثر تلاش های مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان در تمام مساجد، حلقات تعلیم قرآنکریم ایجاد شده و هر امام و خطیب مسؤولیت تربیهٔ فرزندان مسلمان را به عهده دارد. به همین گونه ما سمینار هایی متعدد را به همکاری دانشگاه ها ومؤسسات اسلامی خارجی برای جوانان به راه انداختیم و شمار زیادی از آنان را به مؤسسات تحصیلی کشور های اسلامی و عربی معرفی کردیم و زمانی که این دانشجویان به وطن بر می گردند هر کدام بحیث دعوتگران و پیشوایان دینی مردم مشغول خدمت به فرهنگ اسلامی می شوند.

نا گفته نماند که در سال های اخیر تعدادی از مسلمانان را به ادای فریضهٔ حج و عمره نیز ارسال نموده ایم.

اهدافی بزرگ

□ قرار معلوم در چوکات مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان روسیه، شاخه یی بنام ادارهٔ دینی مسلمانان اسیایی روسیه وجود دارد، کاش در این زمینه چیزی بگویید؟

■ بلی، در سال ۱۹۹۷ م مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان اقدام به تاسیس ادارهٔ مزبور کرد و در سال ۱۹۹۸م پروسهٔ ثبت آن در دولت نهایی شد. تاسیس این اداره به خاطر توسعهٔ کارهای دعوت و پخش عقاید اسلامی در مناطق دور دست مانند سایبیریا و دیگر جای ها صورت گرفته بود. سایبیریا منطقه یی است که هفت صد سال پیش دولتی اسلامی بنام "خانیهٔ سایبیریا" درآن جا تاسیس شد و این دولت درسال ۱۵۷۰م در نتیجهٔ جنگ های توسعه طلبانهٔ روسیهٔ تزاری سقوط کرد.

ادارهٔ دینی مسلمانان آسیایی روسیه، دارای اهدافی متعدد است که در پیشاپیش آن این اهداف قرار گرفته است:

-خدمت مسلمانان در مناطق اورال و سایبیریا.

-همکاری با مسلمانان آسیایی روسیه در مورد حل مشکلات آنها در بخش های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی.

-نشر فرهنگ و تعالیم دین اسلام در این مناطق.

-هماهنگ کردن فعالیت های جمعیت ها و سازمان های اسلامی و قرار گرفتن در پهلوی آنان به خاطر کار دعوت و اعلای کلمه الله.

این اداره دینی به خاطر تحقق اهداف فوق برنامه هایی خوب طرح کرده است و آن را آرام آرام دارد به دست اجرا می گذارد. و همین اکنون این اداره در روشنی اهداف ذکر شده کارهایی ثمر بخشی در راستای دعوت و پخش اندیشهٔ اسلامی و جذب جوانان به دین خدا و به راه راست انجام داده است.

تلاش های پیگیر

□ آیا تمام تلاش های این اداره در همین چیز هایی که یاد آور شدید خلاصه می شود؟

■ تلاش هایی را که این اداره از زمان تأسیس خود تا کنون انجام داده، بیشتر به منظور تحقق اهداف اجمالی بوده است که این اداره به خاطر آن، بنیان گذاشته شده. وبه نظر من ایجاد این ادارهٔ دینی به کوشش مرکز هماهنگی مسلمان روسیه، گامی سازنده و مثبت در جهت اعادهٔ مبادی اسلام در این مناطق دور دست تلقی می شود. و در جریان چند سال فعالیت این اداره، به یاری خدا، در حدود ۲۵۴ جمعیت و سازمان دینی در شهر ها و قریه های مختلف اورال، سایبیریا و شرق روسیه تأسیس شده وبه همکاری مرکز هماهنگی و مساعدت های مردم خیر خواه ونیکو کار به صد ها مسجد نیز در این مناطق اعمار گردیده است. ولی بادنیایی از تأسف که ما از کمبود کادرهای دینی مانند امامان، خطبا و معلمان و همچنان از نبود کتب و مراجع مهم دینی مورد ضرورت رنج می بریم.

پروژه های فعال

□ مهم ترین پروژه هایی را که در این مناطق راه انداختید کدام ها اند؟

■ شاید مهم ترین این پروژه ها ایجاد یک مؤسسهٔ تربیتی وآموزشی دینی در مناطق سایبیریا بوده باشد و در پهلوی آن بحمدالله ماموفق به استرداد بنای تاریخی اسلامیی شدیم که در زمان کمونیستها به یک کارگاه شراب سازی تبدیل شده بود. این بنای عظیم تاریخی راپس از یک سلسله بازسازی به یک مدرسهٔ بزرگ اسلامی بدل کردیم که آمادهٔ پذیرش صد ها دانش آموز مسلمان است. و این مدرسه با وجود مشکلات اقتصادی و کمبود امکانات، با نصاب درسی جدید و قابل قبول برای همه مجامع اسلامی عیار شده است که امیدوارم این مسأله، گامی به سوی رشد فرهنگ اسلامی بوده باشد.

توجه به امور زنان

□ ادارهٔ شما چه برنامه هایی در مورد زنان و دوشیزگان مسلمان دارد؟

■ بدون شک زن در جامعه از جایگاهی ویژه برخوردار است، و از طریق زنان می توانیم جامعه یی خوب و شایسته ایجاد نماییم؛ زیرا که زن نخستین آموزگار مدرسهٔ پرورش کودک است. با توجه به همین قضیه است که در شهر "تیومین" دانشکده یی اسلامی برای زنان مسلمان به نام دانشکدهٔ "الایمان" تاسیس شده است، تا مسؤولیت پرورش کادرهای مسلمان زن را بدوش بگیرد، و آنان بتوانند از راه تعلیم و تربیه در راه نشر دین و آموزانش قرآن به فرزندان خود و درجهت پرورش نسل مسلمان وبا فرهنگ "اسهامی ارزنده بدارند.

تلاش های رسانه یی

□ کار های مطبوعاتی و رسانه یی تان چگونه است؟

■ با توجه به اهمیت رسانه های جمعی و نقش بارز آن در آگاهی افکار عمومی ورساندن رسالت اسلام به گوش ملت ها و انتقال تیوری اسلامی به مناطق مختلف دنیا، و رویهمرفته به خاطر خدمت به مسلمانان سرزمین روسیه و ارتقای سطح فرهنگی و معلومات دینی آنان، مرکز همآهنگی اعلی مسلمانان، اقدام به نشر برخی روزنامه ها و جراید نموده است واین روزنامه ها در بین مسلمانان به طور رایگان توزیع می شود. همچنان مرکز همآهنگی، برنامهٔ جالبی دارد به نام "موسوعه الاسلام" که از طریق تلویزیون روسیه، صبح های جمعه انتشار می یابد، در این پروگرام ارزش های اخلاق اسلامی و مبادی گران بهای دین اسلام به ارزیابی گرفته می شود. و گذشته از آن در تمام کانال های محلی تلویزیون در مناطق مختلف روسیه پروگرام هایی به همکاری همین مرکز نشر می شود که اثر آن در استحکام عقاید اسلامی مردم و توجیه آنان به سوی ایمان وراستکاری انکار نا پذیر است. همچنان در برنامه های رادیویی مباحث اسلامی به خورد مردم داده می شود. همهٔ اینها تلاش هایی اند که در بخش مطبوعات از طرف ما استقامت بخشیده می شوند.

تقارب زبانها

□ خوب است کمی در مورد نشاطات دعوتی مرکز هماهنگی وادارهٔ دینی آسیایی مسلمانان روسیه گپ بزنید؟

■ با تمام اخلاص، در شهر ها و مناطقی که هنوز اسلام به آنها نرسیده است و در بت پرستی و مسیحیت و بودائیت به سر می برند، به نشر دعوت اسلامی می پردازیم. زندگی، عادات و تقالید مردمان این مناطق بیشتر به زندگی مسلمان همخوانی دارد. اما متاسفانه چیزی از اسلام نمی دانند! همچنان زبانهای این ملت ها خیلی با زبان مسلمانان روسیه نزدیکی دارد لذا با استفاده از همین چند عامل به هم پیوند دهنده، کار دعوت را درمیان آنان از طریق نشر کتب، مطبوعات اسلامی تدویر سمینار ها وسخنرانی ها و همکاری با نیازمندان آغاز نمودیم.

گفتنی است که مرکز هماهنگی اعلی مسلمانان روسیه به همکاری ادارهٔ دینی مسلمانان آسیایی روسیه نخستین جمعیت را در جمهوری یا قوتیا در شرق روسیه که یکی از جمهوریت های بزرگ و سرمایه دار شوروی بود، تأسیس کرد و شمار زیادی از افراد این جمهوریت به اسلام مشرف شده اند و فعلا ریاست جمعیت متذکره را یکی از جوانان یا قوتی تبارکه تازه ایمان آورده به عهده دارد. جمعیت دیگری در سایبیریای غربی اساس گذاشته شده و تمام اعضای آن را روسی ها، اوکراینی ها و دیگر نژادها یی تشکیل می دهند که قبلا مسلمان نبوده اند. این جمعیت را نیز آقای ابوطالب اوکراینی اداره می کند که نام قبلی او "اناتو" بوده است. در مسکو نیز از سه سال بدین سو سازمان اسلامی خوبی ساخته شده که اکثریت اعضای آن را بازهم روسی ها، اوکراینی ها و بیلاروسی ها تشکیل می دهند کسانی که پیش از این به ایین مسیحیت معتقد بوده اند. در راس این سازمان یک هموطن روسی است که نامش را بعد از ایمان آوردن علی گذاشته و در این اواخر کتاب معنوی را زیر عنوان "راه مستقیم به سوی خدا" به قلم خویش انتشار داده است.

ببین تفاوت ره از ...

خیر در این جامعه به کار معارف سروسامانی بدهد. سرنوشت این کشکول به کجا رسید؟ تاجایی که من می دانم وزیر معارف در این چندان توفیقی نداشت!

در این جریان با دوستی برخوردم که مامور در وزارت مالیه است و او بر مشکل تبدیلی پسرش از این مکتب را داشت. بحث بر سر مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت شد وی روایت دیگری از ماجرای مشکلات اقتصادی کشور داشت که جالب بود.

او می گفت: رستورانت خیبر ملکیت وزارت مالیه است که کرایهٔ آن یک منبع عاید برای دولت بود اما اکنون محترم اشرف غنی احمدزی وزیر مالیه می خواهد آن را به یک سالن بزرگ کنفرانس های بین المللی مبدل سازد. این سالن باید گنجایش چهارصد نفر را با امکانات ذیل داشته باشد:

امکانات ترجمهٔ سخنرانی ها به هفت زبان.

برای هر نفر میز و صندلی و مایک برای شنیدن آواز مترجمان.

تعدادی مانیتور بزرگ برای ارتباط مستقیم صوت و تصویر از طریق اینترنت با سراسر جهان.

فضا باید به شیوهٔ استدیو های رادیو و تلویزیون باشد یعنی صدا در آن انعکاس نیابد و طوری عایق بندی گردد که صدا از بیرون به آن راه نیابد.

فرش و دیکوراسیون و اثاث آن باید از بهترین و گرانترین نوع باشد.

در این سالن گاهی جلسات شورای وزیران نیز دایر می گردد. هزینهٔ تبدیل نمودن رستورانت خیبر به چنین سالنی را یک کمپنی سویدنی در حدود یک میلیون دالر تخمین نموده است.

عجیب است در کشوری که در پایتخت آن کودکان فاقد صنف و میز وصندلی اند و در زیر آفتاب سوزان درس می خوانند، در کشوری که وزیر معارفش کشکول تکدی برای کمک به معارف به گردن آویخته است، در کشوری که در پایتخت آن اکثریت مردم به آب آشامیدنی صحی دسترس ندارند، در کشوری که پایتخت آن فقط ساعات محدودی از هفته را از نعمت برق مستفید است، در کشوری که بزرگترین شفاخانه اش به مشکل نبود دارو مواجه است، وزیر مالیهٔ این کشور سالن یک میلیون دلاری به شیوهٔ کشور های غربی و ثروتمند می سازد. بگذریم از این که کنفرانس بین المللی در چنان محل پر ازدحام و مرکز شهر تا چه حد از نظر امنیتی مواجه با اشکال است مگر اینکه تمام راههای منتهی به این محل را ببندیم که این به معنی تعطیلی بخش بزرگی از بازار کابل خواهد بود.

مگر چند کنفرانس بین المللی در سال در این کشور برگذار می شود؟ آیا واقعا چنین مصرفی زاید نیست؟ مگر سالن فعلی که در آن جلسات شورای وزیران دایر می گردد چه مشکلی دارد؟

ما چرا اولویت ها را در بازسازی مشخص نمی سازیم؟ چرا نیاز ها را به اصلی و فرعی تقسیم بندی نمی کنیم؟ آیا هیچ فکر کرده اند که با این مبلغ چند صنف درسی می توان به صنف های مکاتب شهر کابل افزود؟ این را من می دانم که فرزندم به مشکل مواجه است نه آنانی که فرزندان شان در کشور های دیگر زندگی می کنند.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ سوم | چهارشنبه ۱۹ حمل ۱۳۸۳ | ۱۷ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - | 7 April 2004

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟

ابوبکر سبزوار

خسته از دفتر به خانه برگشتم. تا از راه رسیدم، پسرم از مکتب آمد. خسته تر و کوفته تر از من. پرسیدم: آیا درس ها شروع شده است؟

جواب داد: نه!

امروز دهم حمل است و تاهنوز درس ها آغاز نشده؟ یعنی ده روز دیگر از عمر نسلی که باید فردا را بسازد به هدر رفت.

پسرم گفت: در صنف جای نشستن نیست. من از ساعت یک ونیم الی پنج که رخصت شدیم در کنار تخته در صنف ایستاده بودم.اگر درس هم می بود من از آن چیزی نمی فهمیدم.

فردای آن روز به مکتب رفتم. مکتب غازی ایوب خان در کارتهٔ پروان ویرانه یی بیش نیست. ازدحام بیش از حد شاگردان، نبود میز و چوکی و ضعف مدیریت دست به دست هم داده و این مکتب را به زندانی مبدل کرده است که شاگردان مدتی معین از روز را در آن محکوم به ماندنند. به طور اکثر به تدریس حاضر نیستند زیرا محیط کار برای آنان سخت نامساعد است. آنهایی که می آیند نیز می گویند که حوصله ندارند و از شاگردان می خواهند که خاموش باشند تا وقت به پایان برسد و زنگ رخصتی نواخته شود. فقط همین.

به لیسهٔ نادریه که در نزدیک این محل قرار دارد رفتم تا اگر ممکن باشد پسرم را به آنجا تبدیل کنم. مدیر مکتب گفت: در صنوف ما گنجایش بیشتر وجود ندارد. همین اکنون چند صنف ما در فضای آزاد است و با گرم شدن هوا کودکان از صنف فرار می کنند، در هر صنف که باید سی نفر درس بخوانند بیش از شصت نفر شاملند و معلمان نمی توانند در یک صنف شصت نفر را به صورت درست تدریس کنند.

این مغایر با اصول تدریس علمی است اما چه باید کرد؟

واقعا چه باید کرد؟

به یاد کشکول معارف افتادم که آقای قانونی می خواست با کمک مردمان ص۷

شیخ شفیع الله عشیروف مفتی مسلمانان روسیه در گفتگو بالعالم الإسلامی:

تلاش هایی پیگیر به منظور پخش اسلام در روسیه وسایبیریا درمیان ملت های مختلف جریان دارد

هفته نامهٔ العالم الاسلامی | ترجمه: [illegible] تقدسی

□ در مراحل مختلف سیاسی که روسیه از آن عبور کرده وضعیت مسلمانان چگونه بوده است؟

■ قبل از وصول آیین نصرانیت به سرزمین پهناور روسیه، دولت های اسلامی بسیاری در این خطه تاسیس شده بود که در اثر یورش های مسلحانه و دشمنانهٔ تزارها همهٔ این دولت ها از هم پاشیدند و تحت استعمار قرار گرفتند علی رغم آن که ملت های مسلمان این مناطق از جانب امپراتوری تزاری روسیه و پس از آن از طرف کمونیستان شوروی مورد انواع شکنجه و تعذیب و تبعید قرار گرفتند، مراکز علمی ودینی و مساجد آنان که پیش از انقلاب بلشویک ها به استثنای مساجد قفقاز به ۱۵ هزار باب می رسید کاملاً یا منهدم گردید، و یا به دیپو ها، و کارخانه های شراب سازی تبدیل شد، اما دین مقدس اسلام هنوز به عنوان راسخ ترین عقیده در دل و درون آنان باقی مانده است!

کمونیستان دهری در تهدید و سرکوب علمای دین و به خاطر انصراف آنان از ادای واجبات دینی ورسالت اسلامی، اقداماتی گوناگون روی دست گرفتند. هزارهاتن آنان را مورد شکنجه قرار دادند و هزاران دیگر را با برچسب های مختلف، به سایبیریا تبعید نمودند و افزون بر آن به زعم خودشان به منظور از بین بردن کامل اسلام به تخریب مساجد و تصفیهٔ مسلمانان بی گناه برخاستند. به طور خلاصه اینها رنج هایی بود که مسلمانان در روزگار پیشین در اتحاد جماهیر شوروی متحمل شدند.
ص۷

نبردخونین میان آمریکایی ها وعراقیان در فلوجه

از شهر فلوجه، گزارش می شود که بین نیروهای آمریکایی و افراد مسلح عراقی در این شهر نبرد سنگینی در جریان است.

عملیات فلوجه با محاصرهٔ راه های ارتباطی شهر توسط نیروهای آمریکایی آغاز شد و واحدهای آمریکایی در این عملیات از آتش توپخانه و هلی کوپترهای توپدار استفاده کردند. گفته می شود تلفات سنگینی نیز برجای مانده است.

همچنین درگیری در مناطق شیعی نشین عراق ادامه داشته و گزارش شده است که چهار نظامی آمریکایی و پانزده عراقی در زدوخوردهای شهر ناصریه کشته شده اند.

چندین نظامی ایتالیایی هم ص۳



از نامه های آمده

زنگ خطر افزایش واقعات بیماری ایدز!

در این اواخر چندین بار از طریق رسانه های جمعی شنیدم که وزارت صحت در مورد بیماری ایدز سیمینارها، مجالس و ورکشاپ هایی ترتیب نموده است تا ذهنیت مردم را در مورد این بیماری روشن سازد وهربار در این مجالس تعداد واقعات این را نسبت به قبل بیشتر نشان دادند این آمار هم صرف در نزد مریضان خون دهنده تثبیت شده است.

تعلیمات وتبلیغات صحی در بارهٔ بیماری های انتانی(ساری) خوب است اما در بارهٔ جلوگیری از انتشار، سرایت بیماری وقلع وقمع آن نقش اساسی ندارد بلکه بحیث یک عامل جانبی در تضعیف سرایت بیماری نقش بازی کرده می تواند.

ازنگاه طب وقایه یی باید در مورد منبع انتان مطالعه صورت گیرد وجلو انتشار آن گرفته شود که این تعداد بیست و دونفر مصاب به ایدز نظر به نشرات وزارت صحت اشخاصی می باشند که توان رفتن به خارج را نداشته واین بیماری را از طریق مقاربت جنسی یاسوزن ملوث اخذ نموده اند. اما این افراد برای امرار حیات، خون خود را در بانک خون به فروش می رسانند. البته تعدادی کثیر از واقعات این بیماری هنوز هم تشخیص نشده است واز برکت نو آوری های جدید یعنی بازشدن رستورانت ها به نام های مختلف باداشتن گارسون هایی از زنان خارجی که به تعداد زیادی در رستورانت ها نشسته ومردان را به قطعه بازی دعوت می کنند وبعدا از سالن برای یک مدت با آنان غایب می شوند ومهمان هم بدون صرف نان از رستورانت خارج می شود، افزایش یافته است. البته از این نوع رستورانت در هرقسمت شهر زیاد است ولی بدتر ازهمه در مجاورت وهمسایگی وزارت صحت(در سرک سوم فرعی عقب سفارت امریکا) یک رستورانت جدید به نام رستورانت لیلی باز شده است که این رستورانت نسبت به دیگر رستورانت هایی از این نوع دیده درا تر می باشد وفکر می کند که در یکی از کوچه های شهر قدیم بالتیمور ویایکی از کوچه های بنکاک می باشد چه در قسمت مدخل رستورانت یک فرش سرخ که قسمتی از سرک عمومی را هم اشغال کرده است فرش شده و در بالای آن دو سه صندلی قرار داده شده است که در بالای آن دو سه دختر نوجوان شرق دور، باآرایش غلیظ ولباس جلف قرار دارند تاهر رهگذر را باخیز وجست به رستورانت دعوت کنند که این صحنه مدرن تر از سالن های بالتیمور، بنکاک و دیگر جاها می باشد، چه در آن جاها دعوت کنندگان از طرف روز به داخل سالن می باشند و صرف از طرف شب آن هم که خوب شب پخته شد، یک نفرشان به دهن دروازه آشکار می شود، اما این رستورانت چینایی از آن رستورانت ها بسیار تفاوت دارد و گذشته از آن چند اشکال دیگر هم دارد:

اول آن که در مجاروت یا زیر زنخ وزارت صحت قرار دارد.

دوم این رستورانت در بین محل خانواده های افغان قرار داشته است که سبب مزاحمت آنها می شود.

سوم نسبت به آن رستورانت ها دارای جرات منفی بیشتر می باشد.

چهارم یک قسمت سرک عمومی را بافرش سرخ، لوحه واتاق سرخ خود اشغال کرده است که مغایر نظم عامه وقانون کشور اسلامی وعنعنات آن که باید مسؤولان امور بدان توجه کنند..

فاطمه از وزیر اکبر خان

اعتراضیه یی بر«خاطرات سفر قندهار»

در شمارهٔ پنجم حمل مجاهد مطلبی زیر عنوان«خاطرات سفر قندهار» به قلم آقای وحید مژده به نشر رسیده بود، در اعتراض بر برخی از مسائل آمده در آن نبشته مطلبی به دفتر مجاهد رسیده است که در پای آن جملهٔ«از طرف سارنوالی مرافعهٔ ولایت کندهار رقم خورده است. هیأت تحریر مجاهد به دلیل عدم ارسال این مطلب به گونهٔ رسمی به ادارهٔ این نشریه، نشر کامل آن را مشروط به ارسال مکتوبی رسمی از سوی سارنوالی محترم ولایت کندهار به شمارهٔ آینده محول ساخت.